

مقاله پژوهشی

سلامت جامعه

دوره دهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵

رابطه شیوه‌های فرزندپروری با بلوغ اجتماعی و سبک‌های مقابله‌ای دختران نوجوان شهر اصفهان سال ۱۳۹۴

مژگان ظهیری^{۱*}، نازنین هنرپروران^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۳

خلاصه

مقدمه: نوجوانی در چرخه رشد افراد، دوره‌ای بحرانی محسوب می‌شود که عوامل متعددی می‌توانند بر آن تأثیر گذاشته و مسیر رشدی نوجوان را دچار تغییر مثبت و یا منفی نمایند. بر همین اساس هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری با بلوغ اجتماعی و سبک‌های مقابله‌ای دختران نوجوان بود.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش توصیفی، جامعه آماری شامل کلیه دختران نوجوان ۱۴-۱۱ ساله شهر اصفهان که در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بودند، بود. جهت انتخاب حجم نمونه ۲۵۰ نفری، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزندپروری، مقیاس سبک‌های مقابله‌ای و پرسشنامه بلوغ اجتماعی بود. داده‌های حاصل از پژوهش با روش آماری ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که راهبرد مسئله مدار با مشارکت والدین ($r=0/23$) و ضعف در نظارت ($r=-0/38$)، راهبرد هیجان مدار با عدم ثبات در برخورد ($r=0/29$)، راهبرد گریز-اجتناب با ضعف در نظارت ($r=0/37$)، کفایت شخصی با فرزندپروری مثبت ($r=0/33$)، کفایت میان فردی با مشارکت والدین ($r=0/25$) و با فرزندپروری مثبت ($r=0/36$)، مقیاس کفایت اجتماعی با مشارکت والدین ($r=0/41$) و فرزندپروری مثبت ($r=0/30$) دارای رابطه معنی‌دار می‌باشد ($p<0/001$).

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش که نشان از رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با بلوغ اجتماعی و سبک‌های مقابله‌ای دختران نوجوان داشت، چنانچه والدین تحت آموزش‌های فرزندپروری نوین قرار گرفته و با اصول علمی و اساسی فرزندپروری آشنا شوند، بر بلوغ اجتماعی و سبک‌های مقابله‌ای دختران نوجوان تأثیرگذار خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: شیوه‌های فرزندپروری، بلوغ اجتماعی، سبک‌های مقابله‌ای، دختران نوجوان

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، مرودشت، ایران. (نویسنده مسئول)
پست الکترونیکی: Mojganzahiri@yahoo.com، تلفن: ۰۹۱۳۳۰۰۷۲۶۲

۲ - استادیار گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، مرودشت، ایران.

مقدمه

دوران نوجوانی (adolescence) نقشی بسیار مهم در سرنوشت انسان‌ها ایفا می‌کند و خواستگاه بسیاری از مشکلات و نارسایی‌های تربیتی و موفقیت‌های دوران بزرگسالی در این دوران نهفته است. رشد اجتماعی، فرهنگی، ذهنی و عاطفی نوجوانان در این دوره چنان اهمیتی دارد که سهل‌انگاری و کم‌توجهی به آن‌ها می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای فرد و جامعه به دنبال داشته باشد. نوجوانان، آسیب‌پذیرترین قشر در برابر رفتارهای پرخطر هستند و به واسطه ویژگی‌های تحولی این دوره، بیشتر از سایر گروه‌ها دست به رفتارهایی می‌زنند که سلامت حال یا آینده‌شان را در معرض خطر قرار می‌دهد [۱].

یکی از عواملی که می‌تواند این دوران را تحت تأثیر قرار دهد شیوه فرزندپروری (parenting methods) می‌باشد زیرا خانواده کانون شکل‌گیری هویت فرد است و بیشترین تأثیر را در روند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری انسان، در نتیجه، شخصیت روانی و فرهنگی او دارد [۲]. شیوه‌های فرزندپروری به عنوان مجموعه یا منظومه‌ای از رفتارها که تعاملات والد و کودک را در طول دامنه گسترده‌ای از موقعیت‌ها توصیف می‌کند و یک جو تعاملی تأثیرگذار را به وجود می‌آورد تعریف می‌شوند. شیوه‌های فرزندپروری عامل تعیین‌کننده و اثرگذار است که نقش مهمی در آسیب‌شناسی روانی و رشد کودکان بازی می‌کند [۳]. Mozafari به نقل از Baumrind شیوه‌های فرزندپروری را شامل سه شیوهی تربیتی مستبدانه (authoritative)، مقتدرانه (authoritarian) و سهل‌گیرانه (permissive) می‌داند [۴]. پژوهش‌های انجام شده بر روی هر سه نوع سبک، نشان می‌دهد که هر کدام از این سبک‌ها می‌تواند در فرزندان پیامدهای مثبت و منفی داشته باشند [۵]. سبک مستبدانه با تقاضای بالای والدین و پاسخ‌دهی کم آن‌ها مشخص می‌شود و با پیامدهای منفی مانند مشکلات رفتاری درونی‌سازی و برونی‌سازی فرزندان همراه است [۶]. سبک فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از مهارگری و حمایت بالای عاطفی، سطوح مناسبی از استقلال و ارتباط دوسویه میان

فرزند و والد را تأمین می‌کند. این سبک با پیامدهای تحولی مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بالاتر، اتکا به خود بیشتر، انحراف رفتاری کمتر و روابط بهتر با همسالان همراه است. در سبک سهل‌گیرانه که با تقاضای کم والدین و پاسخ‌دهی بالای آن‌ها مشخص می‌شود، والدین با توجه بیش از حد به فرزندان انتظارات کمی از آنان دارند [۷-۶]. این شیوه تربیتی با پرخاشگری، رفتار ضد اجتماعی، موفقیت ضعیف تحصیلی و مشکلات رفتاری آشکار در فرزندان همراه است [۸].

شیوه‌های تربیتی والدین و روابط پدر و مادر نقش مهمی در بلوغ اجتماعی (social maturity) نوجوانان دارد. انسان‌ها در سیر تکاملی خود به طبقه‌های جدید رشد عاطفی، اجتماعی وارد می‌شوند و قادر می‌گردند خودشان را به‌طور فزاینده، در چشم‌انداز اجتماعی گسترده‌تر و بزرگ‌تری ببینند. در اینجا فرد وارد مرحله‌ای از بلوغ شده است که این امکان را به او می‌دهد تا به عنوان یک بزرگسال سالم عمل نماید. این مرحله از بلوغ، بلوغ اجتماعی است [۹]. خانواده در شکل‌گیری بلوغ اجتماعی در دوره‌ی نوجوانی نقش مهمی دارد، بلوغ اجتماعی بدین معنی است که فرد بتواند با اتکاء به خود و بدون استمداد از دیگران، از عهده‌ی انجام کارهای خود در موقعیت‌ها و وضعیت‌های اجتماعی برآید [۱۰].

مهارت رویارویی و کنار آمدن با تغییرات همه‌جانبه جسمی، روانی و اجتماعی نوجوانان، سبک‌های مقابله‌ای (coping styles) آنان است که می‌تواند در فرایند ارتباطی و سازگاری افراد به ایفای نقش بپردازد [۱۱]. راهبردهای مقابله‌ای، تلاش شناختی و رفتاری هستند که افراد برای کنار آمدن با مسائل و مشکلات خود به کار می‌برند. از نظر علمی، راهبردهایی که فرد در مقابله با شرایط تنیدگی‌زا به کار می‌برد، نقش اساسی و تعیین‌کننده در سلامت جسمانی و روانی وی ایفا می‌کند [۱۲]. راهبردهای مقابله‌ای مؤثر باعث می‌شوند که واکنش فرد به سطوح بالای تنیدگی (از جمله تنیدگی والدین دارای کودک مبتلا به این‌گونه اختلالات) کاهش یابد و آثار زیان‌بار آن تعدیل شود [۱۳، ۱۴]. یافته‌های تحقیقات مؤید آن است که سطوح پایین‌تر مقابله با سطوح

است نواحی ۳ و ۴ به طور تصادفی انتخاب شدند سپس از بین مدارس فعال هر ناحیه سه مدرسه انتخاب گردید. در گام بعد از کلاس‌های حاضر در هر مدرسه، سه کلاس انتخاب شد. تعداد کل نمونه‌های انتخاب شده ۲۵۰ دانش‌آموز بود. حجم نمونه با توجه به جدول و فرمول مورگان و کرجسی (۱۹۷۰) انتخاب گردید. آنگاه از دانش‌آموزان خواسته شد تا پرسشنامه‌های این پژوهش (پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری، مقیاس سبک‌های مقابله‌ای و پرسشنامه بلوغ اجتماعی راثو) را تکمیل کنند. در فرایند تکمیل پرسشنامه‌ها، اگر دانش‌آموزان در درک سؤالات پرسشنامه‌ها با مشکلی مواجه می‌شدند، از طرف پژوهشگر راهنمایی لازم را دریافت می‌کردند.

در این پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شد:

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری آلاباما (Alabama Parenting Questionnaire) این پرسشنامه در سال ۱۹۹۱ ساخته شد و یک ابزار خودگزارشی ۴۲ سؤالی است که Shelton و همکاران برای اندازه‌گیری پنج حوزه فرزندپروری تهیه کردند [۱۸]. این پنج حوزه شامل تنبیه بدنی نظم و انضباط ناپایدار، نظارت ضعیف، درگیری و فرزندپروری مثبت است. پرسش‌ها در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از هرگز تا همیشه تنظیم شده‌اند، لازم به ذکر است که عبارات مربوط به زیرمقیاس مشارکت والدین هرکدام از دو بخش تشکیل شده که یک بخش مربوط به مشارکت مادر و دیگری مربوط به مشارکت پدر است. شیوه نمره‌گذاری بدین شرح است که آزمودنی در فرم مخصوص به خود باید در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از (هرگز=۰ تا همیشه=۵) به سؤالات پاسخ دهد که هر یک از عبارات تا چه حد در مورد تعامل وی با والدینش صدق می‌کند؛ این مقیاس برای کودکان بین ۸ تا ۱۶ ساله مناسب است. برای به دست آوردن نمره هر زیرمقیاس کافی است امتیاز همه عبارات‌های مربوط به زیرمقیاس مورد نظر را با هم جمع کرده و بر تعداد عبارات‌ها تقسیم نمود تا نمره میانگین به دست آید. Nazari و همکاران پایایی مقیاس‌های این پرسشنامه را از طریق آزمون آلفای کرونباخ بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۱ گزارش کردند [۱۹]. پایایی پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری آلاباما در پژوهش fathi بررسی و میزان آن ۰/۷۸ گزارش گردید [۲۰]. در پژوهش

بالتر تنیدگی و تنش در نظام خانواده ارتباط دارند. میزان تنیدگی در این خانواده‌ها نیز به مراتب بیشتر است و در نتیجه الگوها و نه راهبردهای مقابله نیز در آن‌ها با سایرین متفاوت است [۱۵].

Pakdaman و همکاران در پژوهش خود نقش سبک‌های فرزندپروری مادران در بلوغ اجتماعی نوجوانان را مورد بررسی قرار دادند، نتایج نشان داد که سبک اقتدار منطقی پیش‌بینی کننده مثبت و معنی‌دار برای بلوغ اجتماعی و ابعاد آن می‌باشد [۱۵]. Sadeghinasab و Moghimifard به بررسی رابطه‌ای بین سبک‌های فرزندپروری والدین با عزت نفس و مسئولیت‌پذیری نوجوانان پایه سوم دبیرستان گچساران، پرداخته و دریافتند که متغیرهای شیوه‌های فرزندپروری می‌تواند خودکارآمدی و بلوغ اجتماعی نوجوانان را پیش‌بینی کند [۱۶]. Okorodudu در پژوهشی تحت عنوان تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر بزهکاری نوجوانان منطقه دلتا، به این نتیجه دست یافت که سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه به طور مستقیم پیش‌بینی کننده بزهکاری نوجوانان است [۱۷].

با توجه به اهمیت خانواده و سبک‌های فرزندپروری در شکل‌گیری شخصیت و بلوغ اجتماعی نوجوانان، همچنین خلاء پژوهشی مرتبط با موضوع پژوهش این مطالعه با هدف تعیین رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با بلوغ اجتماعی و سبک‌های مقابله‌ای دختران نوجوان شهر اصفهان طراحی گردید. چنین پژوهشی می‌تواند برای نوجوانان، والدین، مشاوران، معلمان و به طور کلی نظام آموزش و پرورش مفید باشد.

مواد و روش‌ها

این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی بود و جامعه آماری را کلیه دختران نوجوان ۱۱-۱۴ ساله شهر اصفهان که در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بودند، را تشکیل می‌دادند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد، به این ترتیب که از بین تمامی نواحی آموزش و پرورش شهر اصفهان که شامل شش ناحیه

سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بود، همچنین ضرایب همبستگی حاصل بین نمرات نسخه‌های کانادایی و انگلیسی و نیز نمرات هندی و انگلیسی هر دو ۰/۹۸ بوده است که نشان‌دهنده پایایی پرسشنامه‌ی مذکور هست [۹]. Naderi و Shokouhi به نقل از Pakdaman و همکاران در پژوهشی اعتبار این پرسشنامه را از طریق همبسته نمودن آن با پرسشنامه بلوغ عاطفی محاسبه و ضریب ۰/۶۰ در سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱ < p) را به دست آوردند [۲۲]. در این پژوهش پایایی مقیاس بلوغ اجتماعی رانو به دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف محاسبه و به ترتیب ضرایب ۰/۶۹ و ۰/۷۴ به دست آمد. در کل نتایج به دست آمده از مطالعات خارجی و داخلی، اعتبار و روایی پرسشنامه بلوغ اجتماعی را مورد تأیید قرار می‌دهد.

پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای: راهبردهای مقابله‌ای لازاروس بر اساس سیاهه راهبردهای مقابله‌ای توسط Lazarus و Folkman در سال ۱۹۸۰ ساخته شده و در سال ۱۹۸۵ مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. در این پژوهش از پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای که یک آزمون شامل ۶۶ ماده است، استفاده گردید. این آزمون دارای ۸ زیرمقیاس مقابله مستقیم، فاصله گرفتن، خودکنترلی، طلب حمایت اجتماعی، پذیرش مسئولیت، گریز-اجتناب، حل مسئله برنامه‌ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت است. ۱۶ عبارت این آزمون انحرافی هستند و ۵۰ عبارت دیگر شیوه مقابله فرد را مورد ارزیابی قرار می‌دهند [۲۳].

در نسخه تجدیدنظر شده راهبردهای مقابله‌ای به هر عبارت در یک مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت پاسخ داده می‌شود (از ۱ = اصلاً استفاده نکرده‌ام تا ۴ = به میزان زیادی از آن استفاده کرده‌ام) و دوم اینکه عبارات اضافی و نامفهوم حذف یا با عبارات دیگر تعویض شده و بعضی از عبارات مانند عبادت به پرسشنامه اضافه شده‌اند. برای به دست آوردن امتیاز هر زیرمقیاس باید نمره همه عبارات زیرمقیاس با هم جمع گردند. این آزمون بر روی نمونه‌ای متشکل از ۷۵۰ زوج میان‌سال هنجاریابی شده است. ضریب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌ها بدین شرح گزارش شده است. مقابله مستقیم = ۰/۷۰، فاصله گرفتن = ۰/۶۱، خودکنترلی = ۰/۷۰، طلب حمایت اجتماعی = ۰/۷۶، پذیرش مسئولیت = ۰/۶۶، گریز-اجتناب = ۰/۷۲، حل مسئله

حاضر ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۶۲ و برای زیرمقیاس‌ها بین دامنه ۰/۵۳ تا ۰/۷۹ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی بین متوسط تا بالا است.

پرسشنامه بلوغ اجتماعی رانو (Rao Social maturity scale): پرسشنامه بلوغ اجتماعی توسط Green Berger در سال ۱۹۹۰ به منظور بررسی بهره‌مندی افراد از رشد یکپارچه ساختار روانی - اجتماعی تدوین شد. این چارچوب مرکب از خصوصیات کلی است و متداول‌ترین انواع تقاضاها را که جامعه از افراد دارد و در عین حال، مقوله‌های خاص فرهنگی‌هایی که افراد را قادر به برآوردن این نیازها می‌نماید را مطرح می‌سازد. این تست شامل ۹۰ سؤال می‌باشد، این تعداد سؤال پرسشنامه فرم نهایی، ۲۳ سؤال به صورت مثبت و ۶۷ سؤال به صورت منفی بیان شده است. در سؤال‌های مثبت برای کاملاً موافق ۴، موافق ۳، مخالف ۲ و کاملاً مخالف ۱ و در سؤال‌های منفی به ترتیب عکس یعنی برای کاملاً موافق ۱، موافق ۲، مخالف ۳ و کاملاً مخالف ۴ داده می‌شود [۲۱].

این پرسشنامه دارای سه مؤلفه: کفایت شخصی (شامل جهت‌گیری شغلی، خود - رهبری و توانایی تحمل فشار روانی)، کفایت میان فردی (شامل ارتباط، اعتماد نجات‌بخش و همکاری) و کفایت اجتماعی (شامل تعهد اجتماعی، تحمل اجتماعی و آمادگی برای تغییر) است. برای محاسبه نمره هر یک از مقیاس‌های فرعی می‌توان از صفحه نمره‌گذاری استفاده نمود، وزن‌های هر یک از سؤال‌ها به ترتیب در سطرهای صفحه نمره‌گذاری وارد می‌شود. در خانه‌هایی که علامت مثبت (+) وجود دارد وزن پاسخ‌ها به صورت مستقیم (۱، ۲، ۳، ۴) و در جاهای بدون علامت به صورت معکوس (۱، ۲، ۳، ۴) محاسبه می‌گردد. از جمع هر یک از ستون‌ها نمرات مقیاس‌های فرعی و از جمع ستون‌های ۱، ۴ و ۷ نمره کفایت شخصی و ستون‌های ۲، ۵ و ۸ نمره کفایت میان فردی و از جمع ستون‌های ۳، ۶، ۹ نمره کفایت اجتماعی حاصل می‌شود و نمره کل بلوغ اجتماعی آزمودنی با جمع نمودن نمرات کفایت شخصی، میان فردی و اجتماعی به دست می‌آید [۲۱].

Michelle فرم نهایی پرسشنامه را روی نمونه‌ای مرکب از ۱۸۰ دانش‌آموز به فاصله چهار تا پنج هفته اجرا نمود. ضرایب همبستگی حاصله از بررسی کلیه مقیاس‌های فرعی در

پیش فرض همگنی واریانس نیز توسط آزمون لوین مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن بیانگر عدم معنی‌داری مقدار آن بود و نشان می‌داد پیش فرض همگنی واریانس‌ها رعایت شده است ($p > 0/05$).

یافته‌ها

یافته‌های جمعیت‌شناختی بیانگر آن بود که میانگین سنی نمونه‌ها $3/01 \pm 14/3$ سال بود. نمونه‌های مورد بررسی در دوره متوسطه اول مشغول به تحصیل بودند که در این بین پایه هشتم دارای بیشترین فراوانی بود ($44/7\%$). هم‌چنین والدین این دانش‌آموزان دارای دامنه تحصیلات ابتدایی تا فوق‌لیسانس بودند که از میان آن‌ها سطح تحصیلات دیپلم دارای بیشترین فراوانی بود ($33/8\%$).

در جدول ۱ نتایج آمار توصیفی شیوه‌های فرزندپروری ارائه داده شده است.

برنامه‌ریزی شده $= 0/67$ و ارزیابی مجدد مثبت $= 0/79$ که این مقادیر نشان‌دهنده پایایی مطلوب این آزمون هستند [۲۴]. نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که زیر مقیاس‌های مقابله مسئله مدار، مقابله هیجان مدار و دو بعد مقابله اجتنابی (سرگرمی و توجه گردانی) از همسانی درونی مطلوبی برخوردارند. ضریب آلفای کرونباخ $0/97$ تا $0/88$ می‌باشد و هم‌چنین نتایج تحلیل عامل تأییدی، ساختار ۵ عاملی فرم کوتاه پرسشنامه مقابله با شرایط پرسترس را تأیید کرد که این امر حاکی از اعتبار سازه این آزمون است. در پژوهش Hojatinia و همکاران آلفای این آزمون $0/76$ می‌باشد [۲۵]. تجزیه و تحلیل اطلاعات، در دو سطح آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (تحلیل همبستگی پیرسون در سطح خطای $0/05$) توسط نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۰ صورت پذیرفت. قبل از ارائه نتایج تحلیل همبستگی پیرسون، پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک مورد سنجش قرار گرفت. بر همین اساس نتایج آزمون کلموگراف-اسمیرنف بیانگر آن بود که پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمونه‌ای داده‌ها برقرار است ($p > 0/05$). هم‌چنین

جدول ۱- آمار توصیفی مربوط به شیوه‌های فرزندپروری، بلوغ اجتماعی و راهبردهای حل مسئله و زیرمقیاس‌ها در گروه نمونه پژوهش در مدارس منتخب

مؤلفه های پژوهش	میانگین \pm انحراف معیار	میانه	کمترین داده	بیشترین داده
مشارکت با پدر	$2/85 \pm 0/80$	۲/۸۰	۱/۱۰	۵/۰
مشارکت با مادر	$3/49 \pm 0/70$	۳/۶۰	۱/۶۰	۵/۰
مشارکت با والدین	$3/14 \pm 0/68$	۳/۱۷	۱/۵۰	۵/۰
فرزندپروری مثبت	$3/61 \pm 0/89$	۳/۸۳	۱/۱۷	۵/۰
عدم ثبات در نحوه برخورد با فرزند	$2/68 \pm 0/62$	۲/۶۷	۱/۰	۵/۰
ضعف در نظارت و راهنمایی	$1/99 \pm 0/57$	۱/۹۰	۱/۰	۵/۰
تنبیه بدنی	$1/91 \pm 0/87$	۱/۶۷	۱/۰	۵/۰
مقیاس کفایت شخصی	$2/66 \pm 0/35$	۲/۶۳	۱/۸۰	۳/۷۷
مقیاس کفایت میان فردی	$2/71 \pm 0/31$	۲/۷۰	۱/۹۷	۳/۴۷
مقیاس کفایت اجتماعی	$2/72 \pm 0/26$	۲/۷۳	۲/۱۷	۳/۳۰
نمره کل بلوغ اجتماعی	$2/72 \pm 0/27$	۲/۷۰	۰/۱۹	۳/۴۲
راهبرد های	$2/50 \pm 0/40$	۲/۴۳	۱/۰	۳/۴۳
مقابله‌ای	$2/31 \pm 0/46$	۲/۲۵	۱/۰	۳/۷۵
راهبرد هیجان‌مدار	$2/41 \pm 0/34$	۲/۴۱	۱/۰	۳/۴۸

راهبرد هیجان‌مدار نیز با عدم ثبات در برخورد دارای رابطه مثبت معنی‌دار می‌باشد ($r = 0/29$, $p < 0/001$). در انتها راهبرد گریز-اجتناب نیز با ضعف در نظارت دارای رابطه مثبت معنی‌دار بود ($r = 0/37$, $p < 0/001$).

حال به بررسی نتایج تحلیل همبستگی پیرسون بین شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های مقابله‌ای پرداخته می‌شود.

نتایج جدول ۲ نشان داد که راهبرد مسئله‌مدار با مشارکت والدین دارای همبستگی مثبت ($r = 0/23$, $p < 0/001$) و با ضعف در نظارت دارای همبستگی منفی می‌باشد ($r = -0/38$, $p < 0/001$).

مثبت ($p < 0/0001, r = 0/36$) دارای رابطه مثبت معنی‌دار می‌باشد. در انتها مقیاس کفایت اجتماعی نیز با مشارکت والدین ($p < 0/0001, r = 0/41$) و فرزندپروری مثبت ($r = 0/30$)، مشارکت والدین ($p < 0/0001, r = 0/25$) و با فرزندپروری

هم‌چنین نتایج این جدول نشان داد مقیاس کفایت شخصی با فرزندپروری مثبت دارای همبستگی مثبت ($p < 0/0001, r = 0/33$) و مقیاس کفایت میان فردی نیز با مشارکت والدین ($p < 0/0001, r = 0/25$) و با فرزندپروری

جدول ۲- نتایج ضریب همبستگی بین شیوه فرزندپروری با سبک مقابله‌ای و بلوغ اجتماعی در گروه نمونه پژوهش در مدارس منتخب

مشارکت با پدر	مشارکت با مادر	مشارکت با والدین	فرزندپروری مثبت	عدم ثبات در برخورد	ضعف در نظارت	تنبیه بدنی
0/08	0/12	0/23**	0/09	-0/12	-0/38**	-0/18
0/03	0/04	0/06	0/04	0/29**	-0/06	0/01
0/12	0/02	0/08	0/05	-0/13	0/37**	-0/15
0/04	0/11	0/09	0/33**	-0/08	0/07	0/05
0/03	0/04	0/25**	0/36**	0/08	0/06	0/03
0/12	0/02	0/41**	0/30**	-0/04	-0/11	-0/08

معنی‌داری در سطح 0/01 معنی‌داری در سطح 0/05

بحث

این پژوهش با هدف تعیین رابطه شیوه‌های فرزندپروری با بلوغ اجتماعی و سبک‌های مقابله‌ای دختران نوجوان اصفهان انجام گرفت. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که راهبرد مسئله‌مدار با مشارکت والدین و ضعف در نظارت، راهبرد هیجان‌مدار با عدم ثبات در برخورد، راهبرد گریز-اجتناب با ضعف در نظارت، کفایت شخصی با فرزندپروری مثبت، کفایت میان فردی با مشارکت والدین و با فرزندپروری مثبت، مقیاس کفایت اجتماعی با مشارکت والدین و فرزندپروری مثبت دارای رابطه معنی‌دار می‌باشد.

چنین نتایجی در مطالعات پیشین از جمله Pereira و همکاران، Garcia و Caroline هم دیده شده است. برای نمونه مطالعه Pereira و همکاران نشان داد که وقتی خانواده حامی و دلگرم‌کننده کودک باشد مشکلات رفتاری او کاهش می‌یابد [26-28]. در مطالعه حاضر نیز نشان داده شد که وقتی والدین باور ترقی‌خواهانه دارند یعنی در تربیت فرزندان خود از فشار استفاده نمی‌کنند، بلکه با کودکان خود صحبت می‌کنند و درباره مسائل به توافق می‌رسند، به صورت کلی حامی فرزندان خود هستند (سبک فرزندپروری مقتدرانه)، میزان رفتارهای اجتماعی آن‌ها در بازی افزایش می‌یابد که بروز رفتارهای اجتماعی خود می‌تواند شاخصی از کاهش مشکلات رفتاری باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش می‌توان گفت خانواده دارای الگوهای ارتباطی هنجارمند، دارای کنش‌هایی است که به خانواده در انطباق با شرایط و نیازهای جدید کمک می‌کند. والدینی که بر فعالیت‌های فرزندان به‌طور منطقی نظارت می‌کنند، و به فرزندان اجازه می‌دهند که در انتخاب و انجام کارها مستقل باشند، بیشترین تأثیر مثبت را بر رفتار فرزندان خود می‌گذارند. گرمی و محبت والدین، مصاحبت، همراهی و پذیرش نوجوان، ایجاد معیارها و قوانین منطقی، دادن استقلال و آزادی عمل به نوجوان، پذیرش تفاوت‌های فردی، که شیوه فرزند پروری مقتدرانه را شامل می‌شود، به افزایش مهارت‌های ارتباطی فرزندان منجر می‌شود و این مهارت‌ها در روابط آن‌ها با کودکان دیگر اثر می‌گذارد [27].

Okorodudu و Cassidy دریافتند شیوه فرزندپروری با پریشانی روان‌شناختی مرتبط بوده و پیش‌بینی‌کننده رفتارهای بزهکارانه است [17 و 29]. Gao, Y و همکاران و Egodi و Etim نیز در پژوهش‌های خود اشاره می‌کنند که شیوه‌های تربیتی خانواده در کاهش تأثیر گروه همسالان بزهکار و رفتارهای بزهکارانه تأثیر مثبت دارد [30-31]. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد زمانی که والدین از سبک فرزندپروری اقتدار منطقی استفاده می‌کنند، فرزندان آن‌ها نیز نسبت به اختلالات رفتاری گرایش کمی پیدا می‌کنند و به

را در راستای فرزندپروری صحیح فرا گرفته و در ارتباط با فرزندان خود، این آموخته‌ها را به کار برند.

تعارض منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان

مژگان ظهیری اجرای مداخله آموزشی و نگارش مقاله و نازنین هنرپروران راهنمایی و نگارش روش پژوهش و یافته‌ها را بر عهده داشته‌اند.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است بدین ترتیب از تمامی افرادی که در پژوهش حاضر شرکت داشته و یا همکاری کرده‌اند، قدردانی می‌شود.

همان نسبت بر میزان بلوغ اجتماعی و سبک‌های مسئله‌مدار آن‌ها افزوده می‌شود. اما زمانی که والدین از سبک‌های فرزندپروری استبدادی و یا سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند، فرزندان آن‌ها به احتمال بیشتری به سمت اختلالات رفتاری و اجتماعی گرایش پیدا می‌کنند. فرزندان والدین سهل‌گیر سازگاری ضعیف، سوءمصرف مواد، عزت‌نفس پایین، اضطراب و افسردگی بالاتری دارند و مهارت‌های اجتماعی در آن‌ها پرورش نمی‌یابد و به نظر خودخواه، وابسته و بی‌مسئولیت، بی‌نظم و در برابر خواسته و نیاز دیگران بی‌ملاحظه هستند [۱۷].

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بود، نظیر اینکه این پژوهش فقط در مورد دختران نوجوان انجام شده است. همچنین جامعه آماری این پژوهش مربوط به شهر اصفهان می‌باشد که نقش تفاوت‌های فرهنگی در تعمیم یافته‌ها را می‌بایست مدنظر قرار داد.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش بیانگر آن بود که بین شیوه‌های فرزندپروری با بلوغ اجتماعی و سبک‌های مقابله‌ای دختران نوجوان رابطه معنی‌دار وجود دارد، بنابراین والدین جهت مواجهه مناسب با بلوغ اجتماعی و همچنین بهبود سبک‌های مقابله‌ای نوجوانان، نیازمند آنند که آموزش‌های لازم

References

1. Taghavi SZ, Sattarzade M. Investigating the effect of religious percepts in the kindergartens supported by the organizational of wellbeing in the province of Mazandaran. *Psychology and religion* 2010; 3(1):95-106. [Persian].
2. Nikoogoftar M, Seghatoleslam S. The Role of Parenting Styles in Predicting Adolescent Behavioral and Emotional Problems. *Practice in Clinical Psychology* 2015;3(1):23-30.
3. Chan TW, Koo A. Parenting style and youth outcomes in the UK. *European sociological review* 2010;27(3):385-99.
4. Mozafari S. Prediction of Creativity and Academic Achievement Based on Child Rearing Styles. *IJPBR* 2014; 3(3):166-76.
5. Salari S, Roshan R. Public health forecasts girls In respect of the parenting Diana Bamryd Parenting in accordance with religious teachings. *BJSIP* 2016 ; 10(18) : 101-20. [Persian]
6. Parand A. Parenting Styles and Their Efficacy on children behaviors. *Maghale* 2010;167:59-8. [Persian]
7. Ghanbari S, Nadali H, Moosavi S. Relationship between parenting styles and internalizing symptoms in children. *IJBS* 2009;3(2):167-72. [Persian]
8. Bahrami-Ehsan H, Bagherpoor-kamachali S, Fathi-Ashtiani A, Ahmadi A. Parenting patterns associated with mental health and academic success of children. *JPES* 2009;37(4):100-87. [Persian]
9. White MK. (dissertation). Social Markers of Maturation and the Transition to Young Adulthood: The Life Courses of Adolescent Substance Users After Treatment. Chicago: University of Illinois at Urbana-Champaign; 2006: 114-16.
10. Shabani Bahar Gh. Investigating and comparing the athlete and non-athlete students' social maturity at Boo-Ali-Sina University. *PMSS* 2010; 4: 7-15. [Persian]
11. Garcia C. Conceptualization and measurement of coping during adolescence: A review of the literature. *JNS* 2010;42(2):166-85.
12. Friedel JM, Cortina KS, Turner JC, Midgley C. Achievement goals, efficacy beliefs and coping strategies in

- mathematics: The roles of perceived parent and teacher goal emphases. CEP 2007;32(3):434-58.
13. Ghazanfari F, Ghadampour E. The Relationship between Coping Strategies and Mental Health in Residents of Khorramabad City. JPMH 2008; 10(1): 47-54. [Persian]
 14. Sivberg B. Coping strategies and parental attitudes, a comparison of parents with children with autistic spectrum disorders and parents with non-autistic children. IJCH 2002;61(sup2):36-50.
 15. Pakdaman M, Khamesan A, Barati FS. The role of mothers' parenting styles and social maturity of adolescents (bright, slow-paced and normal). SEP 2011; 8(14): 23-40. [Persian]
 16. Sadeghinassab A, Moghimimofrad F. Relationship between Parenting Styles and Social puberty Efficacy-teen high school Gachsaran city. Proceeding of 3th world congress on Psychology and Social Sciences; 2015 October 7-8; Tehran, Hmayshgran Institute illumination. 2015: 2-3.
 17. Okorodudu GN. Influence of parenting styles on adolescent delinquency in delta central senatorial district. EJC 2010;3(1):58-86.
 18. Shelton KK, Frick PJ, Wootton J. Assessment of parenting practices in families of elementary school-age children. Journal of clinical child psychology 1996;25(3):317-29.
 19. Nazari F, Kakavand A, Mashhadi FM. Relationship between early maladaptive schema with Mother's parenting practices and their children's externalization disorders. JAP 2015; 9,2(34): 115-35. [Persian]
 20. Fathi M. (dissertation). Compare parenting style and students Anger coping strategies with and without conduct disorder. Tehran: University of Allameh Tabatabai; 2012: 17-8. [Persian]
 21. Pakdaman M, Khamesan A, Baraty F. The role of parenting parenting styles in adolescent social maturity (Gentle, slow and normal). JEPS 2011; 8(14): 23-40. [Persian]
 22. Pakdaman M, Khamesan A, Barati F. (dissertation). The role of mothers' parenting styles in the adolescents' social maturity. Gha'emat: Islamic Azad University, Gha'emat Branch; 2010: 22-3. [Persian]
 23. Lazarus RS, Folkman S. Stress, appraisal, and coping. 1nd ed. New York: Springer Publishing Company; 1984: 74-5.
 24. Matud MP. Gender differences in stress and coping styles. PID 2004;37(7):1401-15.
 25. Hojatinia F, Pourshafi H, Dastjerdi R. A comparative investigation of the relationship between life style as well as coping styles and burnout in the teachers of exceptional educational system in the city of Birjand. JBS 2013; 13(6): 1-15. [Persian]
 26. Pereira AI, Canavarro C, Cardoso MF, Mendonça D. Patterns of parental rearing styles and child behaviour problems among Portuguese school-aged children. JCFS 2009;18(4):454-64.
 27. Garcia F, Gracia E. Is always authoritative the optimum parenting style? Evidence from Spanish families. Adolescence 2009;44(173):101-32.
 28. Burton P, Phipps S, Gurtis P. all in the family: A Simultaneous model of parenting style and child conduct. Journal of abnormal child, Psychology 2011; 92(2): 368-373.
 29. Cassidy T. Family background and environment, psychological distress, and juvenile delinquency. Psychology 2011;2(09):941-7.
 30. Gao Y, Yu Y, Ng TK. A study on the moderating effect of family functioning on the relationship between deviant peer affiliation and delinquency among Chinese adolescents. AAS 2013;3(03):178-85.
 31. Ekpo E, Ajake E. Family socio-economic status and delinquency among senior secondary school students in calabar south, cross river state, Nigeria. American International Journal of Contemporary Research 2013;3(4):83-8.

The Relationship between Parenting Methods and Social Puberty and Coping Styles in Female Adolescents in the City of Isfahan in 2015

Zahiri M¹, Honarparvaran N²

1-MSc student of family counseling, Dept of counseling group, Islamic Azad University, Marvdasht Branch, Marvdasht, Iran. (Corresponding Author).

Email: Mojganzahiri@yahoo.com, Tel: 09133007262

2- Assistant Professor, Dept of Counseling, Islamic Azad University, Marvdasht Branch, Marvdasht, Iran.

Received: 6 June 2016

Accepted: 24 June 2017

Introduction: adolescence is considered as a critical period in the people's growth cycle and also the trend of growth route and may be affected by both positive and negative factors. The purpose of the present study was to investigate the relationship between parenting methods and social puberty and coping styles in female adolescents in Isfahan city.

Materials and Methods: the present study had a descriptive design. The statistical population of the study included all 11-14 year-old female adolescents studying in the city of Isfahan in the academic year 2014-15. A multi-stage clustered random sampling method was used to select a sample of 250 individuals. The study instruments included the questionnaire of parenting methods, scale of coping styles and the questionnaire of social puberty. The data achieved from the study were analyzed through Pearson correlation coefficient statistical method.

Results: the results of the study revealed that problem-oriented strategy with the parents participation ($r=0.23$) and weakness in supervision ($r=-0.38$), emotion-oriented strategy with lack of stability in conduct ($r=0.29$), escape-avoidance strategy in supervision ($r=0.37$), personal accomplishment with positive parenting ($r=0.33$), interpersonal accomplishment with the parents participation ($r=0.25$) and with positive parenting ($r=0.36$), scale of social accomplishment with the parents participation ($r=0.41$) and positive parenting ($r=0.30$) had a significant positive relationship ($p<0.001$).

Conclusion: according to the findings of the study implying the relationship between parenting methods and social puberty and coping styles in female adolescents, in case the parents are under modern parenting training and are familiar with scientific and basic principles of parenting, it will be effective on social puberty and coping styles of female adolescents.

Key Words: Parenting methods, Social puberty, coping styles, Female adolescents

Please cite this article as follows:

Zahiri M, Honarparvaran N. The Relationship between Parenting Methods and Social Puberty and Coping Styles in Female Adolescents in the City of Isfahan in 2015. Community Health journal 2017; 10(4): 38-46.

Funding: the results show that all the intended variables have a significant positive relationship with each other as well as the prementioned independent variable.

Conflict of interest: In this study, did not report any potential conflicts of interest with the authors.

Ethical approval: For ethical approval, all participants in the study were satisfied with draw.